

## حسابرسی در بحران

Business Week 2002

گروه مترجمان ماهنامه توسعه مدیریت

شرکت از یک سو بر روی سیستم‌های حسابرسی کار می‌کرد و از سوی دیگر ارقام موجود را طبق این سیستم‌ها تأیید می‌کرد. روابط این دو شرکت عمیقتر نیز شد: تیم مالی داخلی انرون توسط شرکای اسبق اندرسن اداره می‌شد. بنابراین، زمانی که ورشکستگی انرون رخ داد، حسابرسان اندرسن بلافاصله سوابق کارهای خود را نابود کردند.

اندرسن سود زیادی برده بود. در سال ۲۰۰۰، این شرکت از هزینه حسابرسی انرون ۲۵ میلیون دلار و از ارائه خدمات مشاوره و دیگر امور نیز ۲۷ میلیون دلار درآمد کسب کرد. مطمئناً، این احتمال وجود دارد که حسابرسان اندرسن همه سوابق را از بین برده باشند اما هنوز هم علاقمند به ادامه این گونه فعالیت‌های

است: ۵۰ میلیارد دلار ورشکستگی، ۳۲ میلیارد دلار ضرر در بازار و برداشت بیش از ۱ میلیارد دلار از حساب‌های بازنشستگی کارمندان شرکت و خالی شدن این حساب‌ها اختلاف‌ها و تضادهای موجود در گزارش‌های شرکت حسابرسی اندرسن (Andersen) نیز خیره‌کننده است. اندرسن از دهه ۱۹۸۰ حسابرسی بیرونی انرون بوده است. اما در اواسط دهه ۱۹۹۰ به این شرکت مسئولیت دیگری داده شد یعنی حسابرسی داخلی انرون. در اصل، این

چند سال پیش چنین چیزی به سختی امکانپذیر بود. توجه مردم از سالن جلسات کنگره به خیابان‌های اصلی جلب شده بود که در گذشته به ندرت تیر اول روزنامه‌ها می‌شد. اما با توجه به رسوائی مالی انرون (Enron)، همراه با افشاگری‌های گسترده پیرامون مشارکت‌های مخفیانه، نابودی اسناد و مدارک و اختلاف بسیار شدید بر سر منافع، پرواضح است که فروپاشی انرون به دست خود آن رخ داده است. همه چیز این ورشکستگی کلان



هستند. در بیانیه مشترکی که در روز ۴ دسامبر منتشر شد مدیران عامل شرکت‌های بزرگ قویا بر تقویت قوانین حسابرسی تاکید می‌کردند. جمیز ترلی (James Turely) از شرکت Ernst & Young می‌گوید که انرون علاوه بر شکست حسابسان نمایانگر یک شکست بزرگ در عرصه تجارت و کسب و کار است. مؤسسه آمریکایی تأییدکننده حسابسان دولتی و دیگر شرکت‌ها و مؤسسات بزرگ چندان رغبتی به ارائه تفسیرهای خود در باب این موضوع ندارند.

البته هنوز هم نمی‌توان همه تقصیرها را به گردن سیستم قدیمی این صنعت انداخت. در تاریخ ۳ ژانویه اندرسن اعلام کرد که این شرکت و دفترش در هوستون موفق شده‌اند حسابرسی شرکت Deloitte & Touche را با موفقیت به پایان برسانند. دو هفته بعد یعنی در تاریخ ۱۵ ژانویه اندرسن حسابرس برجسته خود در انرون را اخراج کرد و برخی از شرکای خود در هوستون را مجبور به ترک از کار نمود. اندرو بیل (Andrew Bailey) استاد رشته حسابداری دانشگاه ایلی نویز می‌گوید: «آنچه که مرا نگران می‌کند آن است که انرون دیگری نیز وجود دارد که بزودی مطرح خواهد شد».

ارتباط میان شرکت‌های بزرگ و افکار عمومی قطع شده است. آرتور لویت (Arthur Levitt) کمیسیونر سابق کمیسیون بورس و اوراق بهادار که بدلیل پیشنهادش در سال ۲۰۰۰ مبنی بر کاهش مشاوره‌ها با دولت درافتاد، می‌گوید: «کل فرهنگ حسابرسی مبتنی بر افشای اطلاعات است که طی سالیان اخیر صنایع از روش‌های مختلفی برای مخفی کردن این اطلاعات بهره برده‌اند».

سرعت و شتاب بالایی برخوردار بود و هر تلاشی برای افزایش درآمدها و قیمت سهام انجام می‌شد، شرکت‌های آمریکایی مرزهای حسابرسی را به گونه‌ای توسعه دادند که تا قبل از آن سابقه نداشت. لذا حسابسان بالاجبار وظایف جدیدی را به عهده گرفتند. فیل لورینگستون (Phill Levingston) رئیس مؤسسه مالی مدیران اجرایی می‌گوید: «آنها بیش از حد بر روی این موضوع تاکید می‌کردند که به شرکای تجاری شرکت‌ها تبدیل شوند».

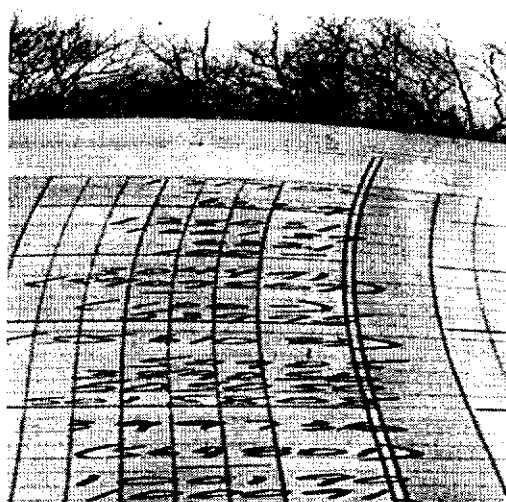
حرفه حسابرسی که از نظم بالایی برخوردار است، در برابر هر گونه تغییری حتی رسوائی‌های مالی مقاومت می‌نماید. حجم و گستره رسوائی انرون آنقدر بزرگ و عظیم است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. هشت کمیته‌کنگره مشغول بررسی گزارش‌های مربوط به این موضوع هستند و قوانین نیز شرکت‌ها را وادار می‌سازند از مشاوره با مشتریان فعال در حسابرسی امتناع ورزند یا تعهد بیشتری را در این زمینه بر عهده بگیرند. هاروی پیت (Harvey Pitt) کمیسیونر بورس و اوراق بهادار که خود زمانی برای شرکت‌های بزرگ کار می‌کرد در حال تدوین پیشنهادی جهت تشکیل یک نهاد جدید است مشکلات مربوط به ناتوانی‌های حسابرسی در سیستم فعلی را مرتفع می‌سازد. جان دینگل (John Dingell) نماینده مجلس که یکی از دموکرات‌های برجسته در کمیته انرژی و تجارت مجلس است می‌گوید: «اینکه حسابسان چگونه کارشان را انجام دهند یکی از بزرگترین علائق ما است».

حتی پس از ورشکستگی انرون، شرکت‌های حسابرسی بزرگ همچنان بدنبال ایجاد تغییرات اساسی قوانین

خود هستند. یکی از کارکنان سابق اندرسن می‌گوید: «افراد زیادی در دفتر اندرسن در هوستون حضور داشته‌اند که از انرون سود می‌برند. اما اگر درست عمل می‌شد هرگز حساب‌های این شرکت نباید تأیید می‌شد».

همانند انرون، رسوائی‌های حسابرسی در شرکت‌های دیگری همچون Waste Management و Cendant نیز شوک‌آور است. لین ترنر (Lynn Turner) رئیس اسبق حسابداری در کمیسیون بورس اوراق بهادار که هم اکنون استاد دانشگاه کلرادو می‌باشد، محاسبه می‌کند که طی شش سال گذشته طبق اظهارنامه‌های سرمایه‌گذاران نزدیک به ۲۰۰ میلیارد دلار متضرر شده‌اند و بدلیل ناتوانی حسابسان، بازارهای زیادی را از دست داده‌اند. به نظر می‌رسد این وضعیت شتاب بیشتری گرفته است. بین سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۰ تعداد این اظهارنامه‌ها دوبرابر شده یعنی از ۱۱۶ مورد به ۲۳۳ مورد رسیده است.

این داستان صحت و صداقت این حرفه شرافتمندانه را زیر سؤال برده است. حسابسان همواره برای قضاوت در مورد ثبات مالی شرکت‌ها در شرایط دشواری به سر می‌برند. اما در دهه ۱۹۹۰ که با



اصلاحات نهایی به هر شکلی که رخ دهند، باید به قلب اختلافاتی حمله کنند که حرفه حسابرسی را خدشه دار کرده‌اند. همچنان که این حمله آغاز می‌شود، هفت پیشنهاد به شرح ذیل جهت جلب مجدد اعتماد عمومی ارائه می‌گردد:

### ۱. حفظ سازمان‌های خودفرما ولو با چنگ و دندان

فروپاشی انرون سرمایه‌گذاران را نسبت به بحران‌های حسابرسی هوشیار کرده است. راجر همیلتون (Roger Hamilton) مدیر بخش پورتفولیو در صندوق John Hancock Value حدود ۶۰۰ هزار سهم خود که هر یک بین ۱۴ تا ۱۵ دلار ارزش داشتند را از انرون خارج کرد اما با این وجود همچنان متحمل ضرر هنگفتی شده است. اکنون همیلتون به جرگه کسانی پیوسته که خواهان دخالت دولت در بازرینی وضعیت این صنعت هستند: «من فکر می‌کنم آنها باید به قواعد این بازی بپردازند». تحت سیستم فعلی سیاست‌گذاری، بسیار دشوار است مشخص کنیم چه کسی مسئول است. یک گروه صنعتی بازرگانی که تحت نظارت AICPA قرار دارد شامل گروه‌هایی است که هدفشان نظارت بر استقلال حسابداران و کیفیت کار آنها است. ششورای ارزیابی عمومی (Public Oversight Board) مسئول تضمین این امر است که در ارزشیابی کار حسابداران و منافع عمومی حفظ شوند. اما این شورا برای تامین بودجه‌اش به طور کامل به شرکت‌های CPA متکی است و هیچ اختیاری برای تحقیق، صدور احضاریه و هیچ قدرتی برای مجازات متخلفان ندارد. کمیته نظارت و کنترل کیفیت ۵۰ مورد از حسابرسی‌های مشکوک که سالانه به

دادگاه‌ها ارجاع می‌شوند را مورد بررسی قرار می‌دهد. البته این کمیته نیز قدرتی برای صدور احضاریه ندارد و بطور کلی بر روی اسناد می‌تواند کار کند که شرکت‌ها به صورت داوطلبانه در اختیارش قرار می‌دهند. AICPA خود به طور مستقل دارای یک سیستم ارزشیابی است. اگر چه شرکت‌های کوچکتر همواره توسط هم‌تایان خود سرزنش می‌شوند اما تاکنون هیچ یک از شرکت‌های بزرگ در ارزیابی‌های خود ناموفق نبوده‌اند. امروزه حتی این صنعت نیز پذیرفته است که این سیستم نیاز به کار دارد. به گفته ترلی از شرکت Ernst & Young شرکت‌های بزرگ با کمیسیون بورس و اوراق بهادار کار می‌کنند تا برای اصلاح روند ارزشیابی خود و همچنین بهبود کیفیت کارشان روش‌هایی را بیابند. چارلز بوشر (Charles Boshier) مدیر شورای ارزشیابی عمومی می‌گوید: «این ایده که کل سیستم از هم پاشیده، نادرست است. اما با توجه به برخی شکست‌ها طی دو یا سه سال گذشته، باید نگاه دقیقتری به آن داشت. این کافی نیست. در پرتو شک و تردیدهایی که درباره صحت و ثبات این حرفه مطرح شده است، بیش از پیش نیاز به ارزشیابی‌ها احساس می‌شود. پیت از کمیسیون بورس و اوراق بهادار در حال ایجاد تحول در قوانین حسابرسی و همچنین تدوین قوانین جدید برای سازمان‌های خودفرما (Self-regulatory organizations) است. هیئت مدیره این گروه را عمدتاً اعضای دولتی تشکیل می‌دهند. اما اگر تعیین استانداردهای حسابرسی به AICPA واگذار شود، پیشرفت اندکی حاصل خواهد شد. لین ترنر رئیس حسابداران کمیسیون

بورس و اوراق بهادار خواهان آن است که سازمان‌های خودفرما نیز بودجه خود را از دولت دریافت دارند. ترنر می‌گوید که حسابرسی این سازمانها نیز باید همانند شورای ایمنی حمل و نقل عمومی صورت پذیرد. او می‌گوید: «وقتی هواپیمائی سقوط می‌کند، شورای ایمنی حمل و نقل عمومی بلافاصله دست به تحقیق می‌زند و شرکت‌های هواپیمایی نیز با آن همکاری می‌کنند. در عرض یکسال آنها گزارشی از اشتباهات دخیل در این سانحه را تهیه کرده و تدابیر لازم را جهت جلوگیری از تکرار مجدد چنین حوادثی بکار می‌گیرند. این همان کاری است که سازمان‌های خودفرما نیز باید انجام دهند».

اگر چه چنین چیزی بسیار خوب است اما تشکیل چنین سازمان‌هایی چندان هم راحت نیست. نخست، چنین سازمان‌هایی باید از کنگره مجوز بگیرند و این در حالی است که در انتخابات سالانه کنگره به انبوهی از موضوعات پرداخته می‌شود. نحوه ارائه بودجه نیز مسلماً یک موضوع داغ و طویل‌المدت برای بحث و بررسی است. همچنین تاریخ سازمان‌های خودفرما بسیار جدید است. شورای ایمنی حمل و نقل عمومی از کارایی بسیار بالایی برخوردار است در حالی که حسابرسی سازمان‌های خودفرما چیزی شبیه به انجمن ملی دلان اوراق بهادار است که قوانین خاص خود را دارد. یکی از مدیران ارشد کمیسیون بورس و اوراق بهادار می‌گوید: «این سازمان‌ها به گونه‌ای تاسیس شده‌اند که گویی کل سیستم باید در خدمت آنها باشد. حرفه حسابرسی در قبال هر نوع فعالیتی ولو اقداماتی که قصد نفوذ به

ورشکستگی بانک بزرگ Oakbrook Terrace اشاره کرد که بخشی از سپرده‌ها و وام‌های آن در اختیار شرکت خانوادگی Pritzker در واشنگتن بود که در اواخر ژوئیه ورشکست شده بود سیدمن در بخشی از نطقش به نقش شرکت حسابرسی Ernst & Young در ورشکستگی این بانک و ۲۷۰ میلیون دلار بدهی آن پرداخت و قویا از چرخش حسابرسان طرفداری کرد. او گفت: «این امر نیازمند بازنگری حرفه حسابرسی جهت سود رساندن به قانونگذاران و سرمایه‌گذاران است». Ernst & Young بهره‌های کلان وام‌ها، کاهش نرخ بهره، و اقتصاد درهم شکسته را عوامل اصلی ورشکستگی این بانک می‌داند.

حامیان چرخش اجباری حسابرسان می‌گویند که رسوایی‌هایی همچون Waste Management که درآمد آن بیش از

پرداخت کرده است. بیلی می‌گوید: «این رقم معادل ۳۰ سال هزینه حسابرسی به افراد غیرحسابرس است». شرکت Marriott International Inc. نیز عدم توازن مشابهی داشته است. این شرکت برای خدمات حسابرسی تنها ۱ میلیون دلار به اندرسن پرداخت اما برای فناوری اطلاعات و دیگر خدمات بیش از ۳۰ میلیون دلار هزینه نمود.

این صنعت و دیگر صنایع بر این عقیده‌اند که تضاد منافع به ندرت موضوع اقامه دعوی در دادگاه‌ها قرار می‌گیرد. کار مشاوره می‌تواند درک بهتری از شرکت‌ها و توسعه خدمات حسابرسی ارائه نماید. هنوز هم در اذهان بسیاری از افراد افزایش اهمیت مشاوره با کاهش بدبینی نسبت به حسابرسی همراه بوده است. بسیار بد است که درآمد اندرسن از خدمات مشاوره به انرون بمراتب بیشتر از ارائه

درون آن را دارند بسیار خلاقانه و نوآورانه است». ۲. ممنوعیت مشاوره با مشتریان حسابرس

آنچه که آرتور لولیت نتوانست در طول یکسال بررسی محاکمات، سخنرانی‌ها و مذاکرات بدست آورد، می‌تواند یکجا از رسوایی انرون کسب کند. جک سیسیلسکی (Jack Ciesielski) سردبیر مجله تحلیلگران حسابرسی می‌گوید: «اگر آنها به موقع دست به تغییر و تحول می‌زدند، اکنون شرایط این قدر بد نبود».

پر واضح است که حسابرسان بیش از حد به مشاوران متکی شده‌اند. در سال ۱۹۹۳، ۳۱٪ هزینه‌های این صنعت را پرداخت حق مشاوره‌ها تشکیل می‌داد. تا سال ۱۹۹۹، این رقم به ۵۱٪ رسید. به گزارش بولتن بین‌المللی حسابرسی» در سال ۲۰۰۱، شرکت PricewaterhouseCoopers تنها ۴۰٪

درآمد خود را از خدمات حسابرسی، ۲۹٪ را از خدمات مشاوره مدیریتی و بخش اعظم مابقی درآمد خود را از مالیات و خدمات مالی کسب کرد. در تحقیقی که پس از تکمیل فایل‌های مالی پس از تاریخ ۵ فوریه ۲۰۰۱ در مورد ۵۳۶ شرکت توسط بیلی (Bailey) از دانشگاه ایلی نویز انجام شده، مشخص گردید که در ازای هر دلار هزینه حسابرسی، مشتریان به حسابرسان مستقل خود ۲/۶۹ دلار را برای خدمات مشاوره غیرحسابرسی می‌پردازند. شرکت Puget Energy با پرداخت ۵۳۴ هزار دلار به شرکت PricewaterhouseCoopers برای خدمات حسابرسی بیشترین عدم توازن را دارا می‌باشد اما همین شرکت بیش از ۱۷ میلیون دلار را برای خدمات مشاوره

وقتی شورای ارزیابی عمومی، ارزشیابی خود از کارایی عملکرد حسابرسان را در سال ۲۰۰۰ آغاز کرد، از توماس ویرنخ (Thomas Wierich) استاد دانشگاه مرکزی میشیگان درخواست کرد تا تحقیقی را پیرامون شکست‌ها و ناتوانی‌های حسابرسان انجام دهد. ۴۰ مورد ارزیابی او باعث شد که دولت دست به اقدام بزند.

۱/۴ میلیارد دلار برآورد می‌شد هرگز رخ نمی‌داد اگر حسابرسان چند سال پیش از مشکلات آن آگاه بودند و رقبا کار آن را بدرستی ارزیابی می‌نمودند. مخالفان نیز می‌گویند که این نوع چرخش می‌تواند مشکلات بزرگتری را به همراه داشته باشد زیرا حسابرسان جدید برای آشنا شدن با شرایط یک شرکت نیاز به زمان دارند. آنها تغییر تدریجی سیستم فعلی حسابرسی را ترجیح می‌دهند اما در عین حال به آن

خدمات حسابرسی آن به همین شرکت (انرون) باشد.

### ۳. چرخش اجباری حسابرسان

در تاریخ ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، وقتی چشمان جهانیان به صفحات تلویزیون دوخته شده بود، الن سیدمن (Ellen Seidman) مدیر شرکت Office of Thrift Supervision در نزد کمیته بانکداری مجلس سنا سوگند یاد کرد. سیدمن در سوگند خود به نمونه

ادامه می‌دهند.

امتیاز چرخش حسابرسان آن است که انجام اینکار بسیار ارزان است. جان بیگز (John Biggs) که رئیس TIAA-CREF است و هر هفت سال یکبار حسابرس جدیدی را انتخاب می‌نماید، می‌گوید: «این یک موضوع شگفت‌انگیز است. اگر شما بخواهید یک ارزیابی واقعا خوب را انجام دهید، این روش انجام آن است. شما باید موضوعات مربوط به استقلال این افراد را به خوبی بشکافید و به سراغ چرخش آن‌ها بروید».

#### ۴. اعمال قوانین سختگیرانه‌تر حسابرسی

وقتی شورای ارزیابی عمومی، ارزشیابی خود از کارایی عملکرد حسابرسان را در سال ۲۰۰۰ آغاز کرد، از توماس ویرنخ (Thomas Wierich) استاد دانشگاه مرکزی میشیگان درخواست کرد تا تحقیقی را پیرامون شکست‌ها و ناتوانی‌های حسابرسان انجام دهد. ۴۰ مورد ارزیابی او باعث شد که دولت دست به اقدام بزند. او در بسیاری از نمونه‌های تحقیقاتی خود دریافت که حسابرسان شرکت‌های بزرگ در واقع گام بزرگی بر نمی‌دارند بلکه کار اضافی انجام می‌دهند که هرگز باعث حل مشکل نمی‌شود، مثلاً، در چندین شرکت که صورت وضعیت حساب‌های خود را کامپیوتری کرده بودند، برخی اطلاعات دستی نامعمول در پایان سال دیده می‌شد که باعث اشتباه در ارقام می‌شد. ویرنخ می‌پرسد: «چرا حسابرسان هرگز علت را جویا نمی‌شدند؟»

برخی می‌گویند که حسابرسان باید این پرسش را مطرح می‌کردند اما برای رفع بدبینی آنها نیاز به تدوین قوانین

سختگیرانه‌ای بود. موضوعات تعیین میزان درآمد و ذخایر مالی رایجترین علل درآمد شرکت‌ها در اظهارنامه‌های آنها هستند که نیازمند اتخاذ قوانین سختگیرانه‌ای نیز برای به صفر رساندن امکان تقلب در آنها هستند. برخی می‌ترسند که این قوانین سختگیرانه باعث بهانه حسابرسان برای افزایش دستمزدهایشان گردد.

#### ۵. محدود کردن رفت و آمد حسابرسان به شرکت‌ها

در تاریخ ۱۹ ژوئن ۲۰۰۱، کمیسیون بورس و اوراق بهادار علیه شرکت آرتور اندرسن (Arthur Andersen) که از سال ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۶ حسابرس شرکت Waste Management بود و تصویری نادرست از وضعیت حسابرسی این شرکت ارائه نموده بود، شکایت کرد. به گزارش کمیسیون بورس و اوراق بهادار، علاوه بر این حقیقت که اندرسن از قبل از عرضه عمومی سهام این شرکت در سال ۱۹۷۱ مسئول حسابرسی آن بوده، مشخص گردید که از سال ۱۹۷۱ تا ۱۹۹۷ تمام مدیران مالی و حسابداری Waste Management قبلاً در اندرسن حسابرس بوده‌اند.

این کمیسیون حسابرسان اندرسن را به انجام فعالیت‌های غیرقانونی از اواخر دهه ۱۹۸۰ بویژه سال‌های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۶ متهم می‌کند و تیم ارزیابی این کمیسیون موارد زیادی از دستکاری حساب‌ها را بر ملا کرده است. علیرغم این افشاگری‌ها، اندرسن از ارائه تصویری نادرست از حساب‌های مالی Waste Management دست بر نداشت. سرانجام دستکاری در حساب‌های Waste Management در فوریه ۱۹۹۸ آشکار گردید یعنی زمانی که

این شرکت نسبت به سال قبل ۱/۴ میلیارد دلار سود برده بود. البته، بسیاری از شرکت‌ها دارای چنین چرخش‌هایی در میان پرسنل مالی خود و شرکت‌های حسابرسی هستند و هرگز هم دچار مشکل نمی‌شوند. برای محدود کردن آزادی افراد در جایی که دوست دارند کار کنند، موانع حقوقی وجود دارد. اما هنوز هم نگرانی‌هایی وجود دارد که وقتی شرکای قدیمی شما همواره اعدادی را به آمار و ارقام موجود اضافه می‌کنند، نمی‌توان این آمار و ارقام را بدرستی مورد بررسی قرار داد. هنری سیلورمن (Henry Silverman) مدیرعامل شرکت Cendant Corp یک شرکت مستقر در نیویورک است که در سال ۱۹۹۸ درگیر یک رسوایی حسابرسی در شرکت CUC International گردیده که یک شرکت بازاریابی طرف سیلورمن بوده که به کمک فعالیت‌های این شرکت توانسته بود به درآمدی معادل ۵۰۰ میلیون دلار دست یابد. سیاست سیلورمن بود که افرادی را از شرکت حسابرسی طرف خود یعنی شرکت Deloitte & Touche استخدام نمی‌کرد. سیلورمن می‌گوید: «این امر بدلیل مفهوم استقلال در کار است. شاید نتوان در واقعیت هر کاری را انجام داد اما این مفاهیم هستند که به واقعیت تبدیل می‌شوند».

#### ۶. اصلاح کمیته‌های حسابرسی

در سال ۱۹۹۹، کمیسیون بورس و اوراق بهادار پیشنهاد کرد که کمیته‌های حسابرسی تنها از مدیران مستقل شوند که همه آنها باید تخصص امور مالی یعنی حداقل تخصص حسابداری یا مدیریت مالی را داشته باشند. اما وقتی بازار بورس ایالات متحده بر اساس این پیشنهاد عمل کرد و قوانین جدیدی را

Special-Purpose entities (SPEs) پرداخته که نقطه ثقل معضلات انرون بودند. همچنان که بحث پیرامون استانداردهای بین‌المللی حسابرسی طی چند سال آینده نیز ادامه خواهد یافت، باید تمام زوایای آن را به موقع روشن ساخت. پیت (Pitt) از کمیسیون بورس و اوراق بهادار یکی از کسانی است که برای اصلاح وضعیت شورای استانداردهای مالی حسابرسی طرح‌هایی دارد. هدف او تعیین استانداردهایی برای چند ماه است نه برای چند دهه.

آیا اگر همه این موارد به کار گرفته می‌شدند از فروپاشی انرون جلوگیری می‌شد؟ شاید نه. علیرغم همه قوانین و تمهیداتی که به کار گرفته می‌شود، هیچ جایگزینی برای استحکام و ثبات شخصی افراد وجود ندارد. هنری سیلورمن می‌گوید: «شما تلاش می‌کنید تا به رفتار

انسانی نظم ببخشید و این کار در بهترین حالت خود بسیار دشوار و حتی در مواقع غیرممکن است». اگر چه ضابطه‌مند کردن رفتارهای خوب و مناسب غیرممکن است اما باید برای کمک به این روند نظارت بهتری اعمال کرد و در عین حال مجازات‌هایی را نیز برای اعمال غیراخلاقی اعمال کرد. مسلماً برای جلب مجدد اعتماد عمومی به حرفه خدشه‌دار شده حسابرسی به زمان زیادی نیاز است.

می‌دهند و این در حالی است که اعضای کمیته‌های حسابرسی از چنین موارد مطلع نیستند. در اینجا انبوهی از رسوایی‌های مالی دیده می‌شود. رئیس شرکت Dick Grasso می‌گوید که شرکت‌ها باید برای هرگونه تغییر و تحولی از کمیسیون بورس و اوراق بهادار راهنمایی بگیرند. ۷. شفاف ساختن قوانین حسابرسی حسابداری به اندازه خود کسب و کار



پیچیده شده است. یکی از حامیان ادغام‌های صنایع مهم می‌گوید: استانداردهای حسابرسی آنقدر پیچیده شده‌اند که مشکل اصلی درک اصول پیچیده حسابرسی است نه درک ابعاد و مبانی اصلی کار یک شرکت». از نظر بسیاری از افراد، شورای استانداردهای مالی حسابرسی در واکنش به تغییر قوانین جدید بسیار کند عمل می‌کند. بیش از ۲۰ سال است که این شورا به شرایط هدفمند و خاص

برای شرکت‌ها تصویب نمود، آنها هر چیزی بودند جز قوانین کامل و جامع. طبق قوانین بازار بورس نیویورک، مدیران در فهرست حقوق‌بگیران یک شرکت درج می‌شدند، کارکنان اسبق و خانواده‌های آنها پس از سه سال در این فهرست درج می‌شدند و اعضای کمیته حسابرسی که ارتباطات شفلی خوبی با شرکت داشتند نیز پذیرفته می‌شدند البته اگر هیات مدیره شرکت تأیید می‌کرد که این روابط با ضوابط آنها مغایرتی ندارد.

اگر پیشنهادی کمیسیون بورس و اوراق بهادار بی‌کم و کاست تصویب می‌شدند، نیمی از شش عضو کمیته حسابرسی از خدمت منع می‌شدند. یکی از آنها در ازای ارائه یک سال خدمات مشاوره قراردادی معادل ۷۲۰۰۰ دلار با شرکت منعقد کرده بود و دو تن دیگر که به استخدام دانشگاه‌ها درآمده بودند

مبالغ هنگفتی را بعنوان کمک‌های خیریه از انرون، رئیس آن کنت لای (Kenneth Lay) و دیگر بنیادها و مؤسسات مرتبط با آن دریافت کرده بودند. راسل رینولد (Russell Reynolds) رئیس و مدیرعامل شرکت Directorship Search Group Inc. می‌گوید: «مشکل مدیران شرکت‌ها آن است که بسیاری از شرکت‌ها همان کاری را انجام می‌دهند که انرون انجام داد. شاید هیچ کس بهتر از مدیر مالی نمی‌داند که چه معاملاتی در سطح یک شرکت رخ